العلماء مصابیح الارض، و خلفاء الانبیاء، و ورثتي و ورثة الانبیاء

عُلما چراغ‌های روی زمین‌اند و جانشینان پیامبران و وارثان من و وارثان پیامبران.

یادداشت

امام صادق علیه‌السلام و ساختارسازی و معماری نظام امامت

حمزه واقعی، پژوهشگر ارشد مطالعات میان‌رشته‌ای | مکتب امامت، تفسیر نو به نو قرآن را پیش روی انسان می‌گذارد تا هر لحظه، بهره حیاتی خود را از آن ببرد. نسبت انسان با این مکتب باید ترجمانِ مدامِ «و یخرجهم من الظلمات الی النور» باشد. در سیر تکاملی انسان، از نسبت روشنایی تا روشنایی بیشتر، یک واجب مدام است. غنی‌سازی هسته‌های معرفتی انسان، شأنی چنین را طلب می‌کند و الا طاغوت درون، او را به وادی سرگردانی می‌اندازد که مصداق تام و اتم «ویخرجهم من النور الی الظلمات» می‌شود و هر روز، او را از نقطه روشنایی اولیه هم دورتر می‌کند. نتیجه ولایت طاغوت جز این نمی‌تواند باشد و ثمره ولایت‌الله هم روشنایی مدام است که در نظام امامت بدان تشرف می‌یابیم. در این نظام‌واره بینشی است که معتقدیم باید در ایمان مناسکی متوقف نشد بلکه آن را توسعه داد و به اصل مطلب، یعنی ایمان معرفتی رسید. امام را باید به‌روز شناخت، یعنی از مکتب هر امام به درکی روزآمد رسید تا زندگی ما را با منبع لایزال فیاض پیوند دهد. بر این اساس باید گفت امام صادق(ع)، امامِ امروز است، امامی که در همه پهنه فکری و زیستی جهان می‌توان نگاه به اندیشه و مشیِ او داشت و روشنی گرفت از چراغ‌هایی که در حدیث افروخته است. می‌توان به سازمان اندیشه او تکیه کرد و در «مکتب» بلند بالای او، دین را خوانشی محمدی داشت. خوانشی که بر پایه دانشوری است و هم ریشه‌گرفته از اخلاق؛ همانی که حضرت رسول(ص) آن را فلسفه بعثت خویش اعلام کرد و در همه ساحت‌ها کوشید اخلاق مردمان را کمال بخشد. تجلی اعجاز حضرت رسول(ص) هم جان یافتن مردانی بزرگ در میان مردمی بود که به زیستن در عصر جاهلیت عادت کرده بودند و به‌رسم پدران خویش به جهالت می‌زیستند و می‌مردند اما نبی اعظم الهی، آنان را به دانایی رساند تا بدانیم راه تعالی همین به کمال رساندن اخلاق مردم است. راهی که همه ائمه هدی(ع) ادامه دادند و حضرت صادق(ع) با مکتب‌سازی به آن، نظام‌مندی خاصی بخشید. این که شیعه را جعفری مذهب می‌گویند به این معنا نیست که تشیع با حضرت صادق(ع) آغاز شده بلکه به این خاطر است که ایشان در فرایند «جهاد تبیین» با قاعده‌مند کردن معارف و مکتب‌سازی فقهی، تشیع را صاحب حدود و ثغوری کرد که تفاوت‌های بنیادی آن با نحله‌های دیگر، آشکار شد. این غیریت‌سازی و طراحی شاکله درست اسلام هم نه به معنای طرد دیگران، بلکه برای روشن‌سازی مسیر و دعوت همگان به خط روشن اسلام و پیامبر بود. چنان‌که در مدرسه حضرت صادق(ع) کسانی را می‌بینیم و نام‌هایی را می‌شناسیم که بعداً، پیشوای مردمانِ بسیاری شدند.

امام صادق(ع) ضمن ساختارسازی مکتب و طراحی نظام امامت و سازمان‌سازی برای وکالت، راه را تا همیشه شاخص‌گذاری فرمودند. دیگر ائمه هم به همین شیوه رفتار کردند تا جایی که می‌توان نظام امامت حضرت حجت(عج) را -چه در عصر غیبت صغری و چه حتی غیبت کبری- ریشه یافته در سبک امامت حضرت جعفر بن محمد(ع) دانست. امروز نیز در همین قاعده تعریف می‌شود و ما روزی‌خور سفره پر برکتی هستیم که ایشان گسترانیده‌اند. آنچه باید بدان توجه داشته باشیم بهره به‌روز شده از این سفره است. با نگاهی چنین، امروز را هم می‌توان بر مبنای فرهنگ امام صادق(ع) زیست.

تفسیر

آیت‌الله علم‌الهدی

بشارت‌های قرآن به وجود اقدس امام زمان(عج)

قسمت نهم

در مقام تبیین نقطه ارتباط آیه ۱۲۴ سوره بقره با امام زمان(عج) طبق روایت مفضل بن عمر از حضرت صادق(ع) به این نکته اشاره شد که حضرت ابراهیم در نتیجه اظهار عقیده و ایمان به جایگاه و مقامات ذوات مقدس حضرات امامان معصوم(ع) و از جمله دوازدهمین ایشان یعنی حضرت مهدی(عج) شایستگی یافت به مقام امامت منصوب شود: «وَإِذِ ابْتَلَي إِبْراهيمَ رَبُّهُ بِكَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنّي جاعِلُكَ لِلنّاسِ إِماماً قالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتي قالَ لا يَنالُ عَهْدِي الظّالِمينَ». آنچه در این نوبت به آن می‌پردازیم وجه یادکرد از چهارده معصوم(ع) در آیه مورد اشاره با عنوان کلمات است. به طور کلی واژه کلمه در منطق قرآن به معنای حقایقی است که تجلی آن‌ها برابر انسان، بازگوکننده وجود خداوند بوده و بر هستی پروردگار متعال دلالت می‌کنند. از جمله در آیه ۱۷۱ سوره نساء، از حضرت عیسی به عنوان کلمه پروردگار یاد شده است که نشان می‌دهد آن حضرت شخصیتی است که توجه و دقت در کیفیت آفرینش ایشان، انسان را متوجه خداوند می‌کند. بر این اساس باید گفت وجه یادکرد از ذوات مقدس اهل بیت عصمت و طهارت(ع) به کلمات، آن است ایشان عناصری‌اند که توجه آحاد بشر به آن‌ها عامل متوجه شدن ایشان به ذات اقدس‌الله می‌شود و وجود پروردگار متعال را برای انسان شفاف و آفتابی می‌کند. مؤید این معنا جریان معروف توبه حضرت آدم(ع) به واسطه مواجهه با کلمات پروردگار یعنی معنای مشاهده انوار خمسه طیبه و واسطه قرار دادن این بزرگواران در پیشگاه خداوند است که در روایت مفضل بن عمر نیز مورد اشاره قرار گرفت. توضیح بیشتر اینکه حضرت آدم(ع) پس از هبوط از بهشت به زمین به سبب خوردن از شجره منهیه تا ۲۰۰ سال به انواع مشکلات و سختی‌ها مبتلا بود و در حالت تحیر و سرگردانی روزگار می‌گذرانید. بعد از گذشت این مدت طولانی، خداوند برای رفع پریشانی آدم و نجات وی از مصائب و مشکلات، انوار مقدس خمسه طیبه که تجلی حقیقت پروردگارند را به آدم نمایاند. حضرت آدم با مشاهده این نورهای مقدس که در مقام دلدادگی و عشقِ به حق، در خدا فانی بودند، متوجه پیمان محبت و عشق خود با خدا شد؛ یعنی با دیدن انوار پنج تن آل عبا به یاد آورد که با خدا پیمان بسته بود مانند این ذوات مقدس در عبودیت و بندگی خدا فانی شود؛ اما از پیمان خود تخلف کرد. پس از این جریان به درگاه پروردگار توبه کرد و خداوند متعال هم توبه‌اش را پذیرفت.

نیم نگاه

شاعر «سلام فرمانده»:

به فرمان «آتش به اختیار» رهبری لبیک گفتیم

این روزها سرود «سلام فرمانده» در میان مردم ایران به‌خصوص کودکان و نوجوانان حال و هوای خاصی ایجاد کرده و قطعاً در رسانه ملی یا فضای مجازی، حداقل یک مرتبه آن را شنیده‌اید. این سرود نیمه شعبان سال ۱۴۰۰ در شهرستان لنگرود گیلان تولید شد و به یکباره فضای کشور را فراگرفت. سیدمهدی بنی‌هاشمی لنگرودی، شاعر این اثر، متولد سال ۱۳۷۲ است.

سیدمهدی بنی‌هاشمی لنگرودی، شاعر «سلام فرمانده» در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس در خصوص تولید شعر و مضمون‌پردازی این سرود اظهار کرد: ایده پروژه «سلام فرمانده» که با رمز «تمرین ظهور به بهانه سرود» شکل گرفت، یک هم‌اندیشی مشترک بین حجت‌الاسلام نعیمی، حاج ابوذر روحی و بنده بود که پس از نماهنگ «رفیق شهیدم» و بازخوردهای مثبتی که این کار داشت، رقم خورد. «رفیق شهیدم» در سالروز شهادت حاج قاسم سلیمانی از سوی گروه سرود «ماح» (ملت امام حسین) تولید شد که پس از آن تصمیم گرفتیم یک کار هنری بزرگ‌تر را شروع کنیم که هم از نظر محتوا و هم ملودی، جذاب‌تر باشد تا بتواند موجی در جامعه ایجاد کند.

■ «سلام فرمانده» ساخته شد تا جایگزین اشعار سخیف باشد

وی با اشاره به اینکه در حوزه کودک و نوجوان واقعاً با یک خلأ جدی در زمینه تولید کارهای شاد ارزشی برای قشر مذهبی روبه‌رو هستیم، گفت: دغدغه ما این بود در راستای فرمان «آتش به اختیار» رهبر معظم انقلاب در جنگ فرهنگی، سرودی بسازیم که اشعارش راحت و قابل تکرار باشد تا بتواند جایگزین اشعار سخیف و گاهی مستهجنی شود که به دهان بعضی بچه‌ها افتاده بود.

بنی‌هاشمی لنگرودی گفت: دنبال مضامین ناب برای این سرود بودیم تا بتواند به کودکان ما هویت و خودباوری دهد و همچنین در امتداد نماهنگ «رفیق شهیدم» باشد. در آن نماهنگ، سبک زندگی و چند الگو از شهدا را معرفی کرده بودیم. در زمینه مضامین و محتوای «سلام فرمانده» از نظرات حاج ابوذر روحی بسیار بهره بردم؛ زیرا او در حوزه شعر صاحب‌نظر است. در نهایت پس از یک ماه که روی تک‌تک ابیات و کلمات شعر فکر و تمرکز کردیم، این کار تولید شد و الحمدلله هم بازخورد خوبی در جامعه داشت.

■ می‌خواهند مانع پرورش نسلی شوند که پای ارزش‌هایش می‌ماند

این شاعر آیینی در پاسخ به برخی که این روزها برای انتقاد از «سلام فرمانده» می‌گویند مضامین ایرانی ندارد و برای کودکان مناسب نیست، اظهار کرد: اینکه عده‌ای اثر «سلام فرمانده» را به داشتن مضامین غیرایرانی متهم می‌کنند، هدفشان لطمه زدن به این سرود است. می‌گویند ایرانی نیست، می‌گویم کجای این شعر غیرایرانی است؟ آیا علی بن مهزیار اهوازی غیرایرانی است؟ یا آیت‌الله بهجت که نماد تقوا در سال‌های اخیر این کشور بود، غیرایرانی است؟ آیا حاج قاسم سلیمانی که کل عمر و زندگی‌اش را وقف دفاع از آب و خاک و ناموس ایران در میدان‌های مبارزه کرد، ایرانی نیست؟ یا میرزاکوچک‌خان جنگلی که اسطوره مقاومت یک ملت است و سرش را در این راه داد تا کشور را دست بیگانه ندهد، ایرانی نیست؟

وی ادامه داد: رهبر معظم انقلاب درباره میرزاکوچک‌خان فرمودند: «ما در دوران مبارزه خودمان، هروقت نام میرزاکوچک‌خان را به یاد می‌آوردیم و شرح حال او را می‌خواندیم، نیرو می‌گرفتیم. او از همت، اراده، شخصیت و هویت خود خرج کرد، برای اینکه به یک نسل هویت، شخصیت، نیرو و اراده ببخشد. این بسیار ارزش دارد». تمام هجمه‌های وارد شده به این سرود، برای آن است که مانع پرورش نسلی براساس این سرود شوند که ارزش‌های خود را می‌شناسد و در مقابل دنیاطلبی عده‌ای، سر خم نمی‌کند و پای ارزش‌هایش می‌ماند.

■ در دوران سربازی چند سرود برای ارتش ساختم

بنی‌هاشمی لنگرودی با اشاره به اینکه سرودن شعر آیینی و نوحه را از محرم سال ۱۳۹۲ با عنایت حضرت زهرا(س) و شهید ابراهیم هادی آغاز کرده است، گفت: پس از چند سالی که شعرهای کلاسیک سرودم، وارد تصنیف‌سرایی آیینی و انقلابی هم شدم و چند سرود، نوحه و... تولید کردم. دیپلم افتخار شاعر اول جشنواره آوای دریا در سال ۱۳۹۹ را کسب کردم و در زمان خدمت سربازی و حضور در نیروی دریایی ارتش، چند سرود برای ارتش جمهوری اسلامی و نیروی دریایی سرودم. وی ادامه داد: افتخار شعرخوانی در هیئت‌های استان گیلان را هم دارم که مهم‌ترین مدال زندگی‌ام همین نوکری و شعرخوانی برای امام حسین(ع) است.

■ از سال ۹۵ با حاج ابوذر روحی در ارتباطم و او را استاد خود می‌دانم

بنی‌هاشمی لنگرودی که کتابی به نام «یک لقمه عشق پاییز» را هم نوشته، در خصوص نحوه ارتباط و آشنایی‌اش با حاج ابوذر روحی تصریح کرد: رابطه ما برادرانه و رفیقی است و او را استاد خود می‌دانم. در گذشته طرفدار و پامنبری این مداح اهل بیت(ع) بودم. در سال ۱۳۹۵ دو شعر با عناوین «سینه زدن، سین هفت‌سین منه» و «آهو رو همه از چشاش می‌شناسن» برای اهل بیت(ع) سروده بودم که به او دادم تا در مجلس بخواند و الحمدلله خواند و مورد استقبال هم قرار گرفت. از آن سال این ارتباط پابرجاست. این شاعر آیینی با اشاره به اینکه تاکنون سه شعر برای نماهنگ و سرود مذهبی سروده که توسط حاج ابوذر روحی و همکاری گروه «ماح» به تهیه‌کنندگی حجت‌الاسلام نعیمی تولید شده است، گفت: «دنیام با تو قشنگه» با موضوع حضرت زینب(س)، «رفیق شهیدم» با موضوع حاج قاسم سلیمانی و در نهایت «سلام فرمانده» با موضوع امام زمان(عج) عناوین این سرودهاست که مورد استقبال هم قرار گرفتند که «سلام فرمانده» متمایز از بقیه شد.

■ هدفمان این بود عشق به امام زمان(عج) محصور به یک روز نباشد

وی در خصوص استقبال صورت گرفته از سرود «سلام فرمانده» تصریح کرد: استقبال بی‌نظیر بود که همه را لطف و عنایت امام زمان(عج) می‌دانم؛ وگرنه امکان نداشت یک سرود ساخته شده توسط یک گروه در یک شهرستان کوچک استان گیلان که بدون یک ریال بودجه دولتی رقم خورد، این‌گونه فراگیر شود. بیش از ۶۰ روز از نیمه شعبان که روز رونمایی این سرود بود، می‌گذرد اما هر روز در یک شهر و استان، این سرود همخوانی می‌شود و زمزمه مردم با هر سنی شده است.

بنی‌هاشمی لنگرودی با اشاره به اینکه هدف ما این بود که عشق و ارادت به امام زمان(عج) در یک روز خلاصه نشود و در طول سال و دائمی باشد، گفت: الحمدلله از همان روزهای اول پخش نماهنگ، بسیاری از صاحب‌نظران داخلی به تشویق و تمجید پرداختند و مدیران صداوسیما هم پای کار آمدند. حمایت آن‌ها سبب بیشتر دیده شدن این کار شد.

برش گفت‌وگو

میراثدار علم‌پدر

در روایتی از حضرت(ع) سؤال کردند «انت اعلم ام ابوک؟» یعنی علم شما بیشتر است یا پدرتان؟ حضرت پاسخ دادند: «ابی اعلم منی و علم ابی لی» یعنی پدرم از من آگاه‌تر و دانشمندتر بود ولی تمام علوم پدرم، نزد من است. این روایت را کتاب «اعلام الوری به اعلام الهدی» نقل کرده که متعلق به مرحوم طبرسی، صاحب مجمع‌البیان است.

گفت‌وگوی قدس با حجت‌الاسلام مهدی یزدی در خصوص ویژگی‌های مکتب علمی و تربیتی امام صادق(ع)

نورت اگر نبود به جز شب نداشتیم

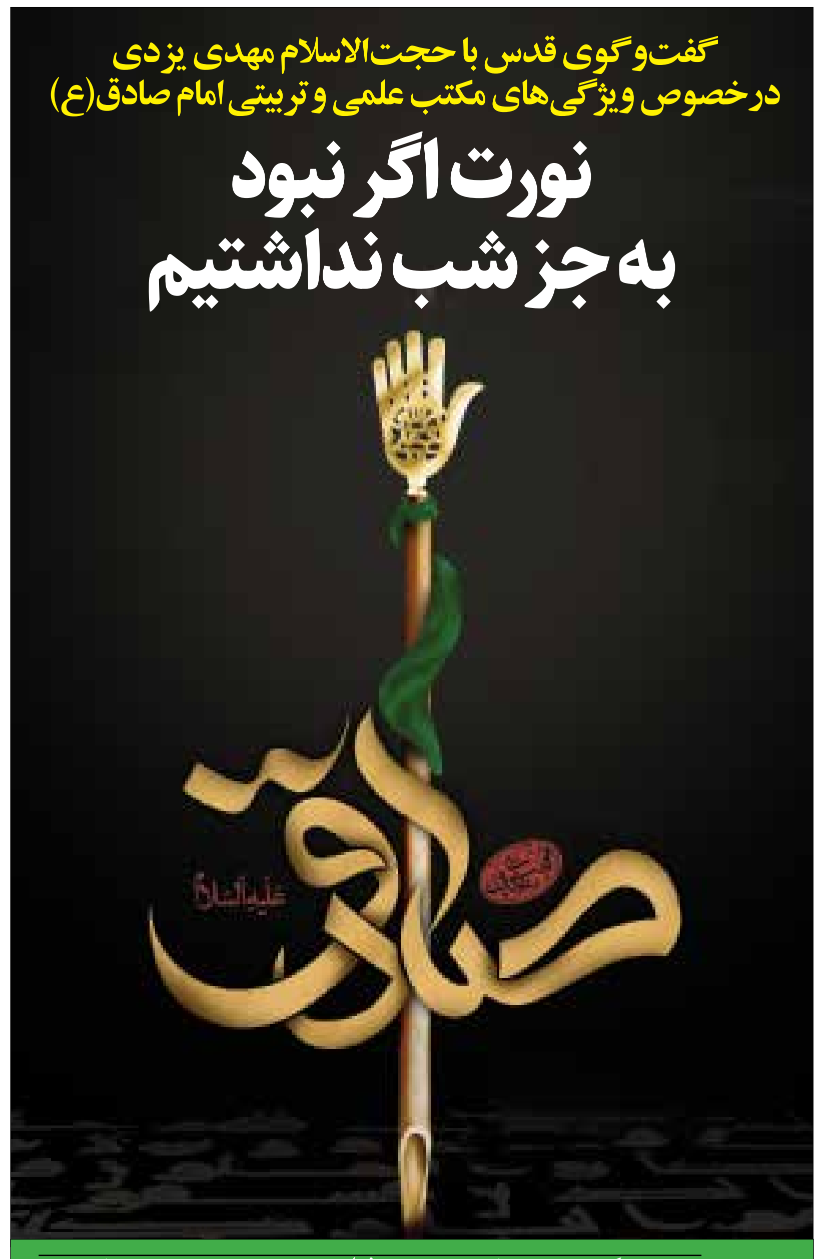

نیکوکار | مکتب و مدرسه امام صادق(ع) را می‌توان فراگیرترین مدارس علمی زمان خود دانست؛ جایی که در آن، بابِ تعامل و ارتباطات علمی به دور از تعصب مذهبی به روی همگان باز بود؛ به همین دلیل نیز در این مکتب تنها شیعیان نبودند که حضور داشتند بلکه شاگردانی از مذاهب اهل سنت و حتی زیدیه نیز در آن حضور به هم می‌رساندند و از محضر صادق آل‌محمد(ع) بهره می‌بردند.

مضاف بر این نحوه تعامل، این مدرسه جامعیتی از حیث ارائه علوم مختلف از فقه و اصول و تفسیر گرفته تا علوم تجربی و امثال آن داشت که همه را به سمت خود می‌کشاند. به بهانه فرا رسیدن سالروز شهادت امام ششم شیعیان، حضرت امام جعفر صادق(ع) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام مهدی یزدی، پژوهشگر حوزوی سعی کرده‌ایم بخشی از ویژگی‌های مکتب علمی و تربیتی این امام همام را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

حجت‌الاسلام مهدی یزدی با بیان اینکه در میان تمام ائمه(ع)، امام صادق(ع) به شیخ‌الائمه مشهور هستند، گفت: استفاده از این تعبیر برای حضرت به‌خاطر سن ایشان نسبت به سایر ائمه در وقت شهادت است، چرا که ایشان با ۶۵ سال عمر، بیشترین سن را داشتند.

یزدی با بیان اینکه حضرت(ع) در شرایط سیاسی متلاطمی عهده‌دار امور امامت شیعیان بودند، عنوان کرد: شرایط زمانی حضرت امام صادق(ع) از این نظر خاص بود که حضرت با پنج خلیفه اموی ودو خلیفه عباسی معاصر بودند؛ در میان ائمه(ع)، چنین وضعیتی را از حیث تلاطم سیاسی نداریم که خلافت به صورت مداوم از این دست به آن دست بچرخد.

وی افزود: خلفای اموی در این مقطع هشام بن عبدالملک، ولید، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید و سپس مروان حمار بودند و پس از آن نیز قضیه انتقال حکومت از امویان به عباسیان را داریم که در این مقطع نیز حضرت(ع) با سفاح و منصور دوانیقی معاصر بودند.

■ استفاده از تمام فرصت‌ها برای ترویج فقه ناب محمدی

به باور این پژوهشگر تاریخ اسلام، امام صادق(ع) از تلاطم انتقال حکومت از امویان به عباسیان برای گسترش و ترویج اندیشه ناب اسلامی نهایت استفاده را بردند. او ادامه داد: به دلیل درگیری‌ها بین دشمنان اهل بیت(ع) تعرض حکومت و همچنین فشارهای سیاسی به حضرت کاسته شد و همین، فرصتی را فراهم کرد تا حضرت از این زمان نهایت استفاده را کنند و در بسط و ترویج فقه شیعه و فقه ناب محمدی تلاش کرده و شاگردان زیادی را تربیت کنند.

یزدی به ویژگی‌های علمی امام ششم شیعیان اشاره کرد و با بیان اینکه امام باقر(ع) پدر امام صادق(ع) نیز به «شکافنده علوم» شناخته می‌شوند، عنوان کرد: در روایتی از حضرت(ع) سؤال کردند «انت اعلم ام ابوک؟» یعنی علم شما بیشتر است یا پدرتان؟ حضرت پاسخ دادند: «ابی اعلم منی و علم ابی لی» یعنی پدرم از من آگاه‌تر و دانشمندتر بود ولی تمام علوم پدرم، نزد من است. این روایت را کتاب «اعلام الوری به اعلام الهدی» نقل کرده که متعلق به مرحوم طبرسی، صاحب مجمع‌البیان است.

■ تربیت شاگردان متخصص در علوم مختلف

این پژوهشگر تاریخ اسلام تعداد شاگردان امام صادق(ع) را فراوان برشمرد و ادامه داد: از شاگردان زبده حضرت می‌توان افراد زیادی را نام برد، یکی از آن‌ها هشام بن حکم است که خود او فقط ۳۱جزوه علمی دارد و بعداً نیز در محضر امام کاظم(ع) زانوی شاگردی زد. جابر بن حیان دیگر شاگرد حضرت است که نقل شده تا ۲۰۰ جزوه علمی از ایشان در مباحث مختلفی از طبیعی گرفته تا عقلی و طبیعی و مسائل کیمیا -که همان شیمی امروز است- به جا مانده است. مفضل بن عمر کوفی از دیگر شاگردان حضرت است که بحث «توحید مفضل» او خیلی معروف است. خود مفضل نقل می‌کند: من در مسجد مدینه بودم؛ ابن اَبی‌العَوجاء زندیق آمد و شروع به طرح یک‌سری بحث‌های الحادی کرد که من از این اظهارنظرهای او متأثر شدم. با او بحث کردم و وقتی کم آوردم به محضر امام صادق(ع) رفتم. حضرت در چهار جلسه در چهار روز به سؤالات مفضل پاسخ داد و دریای بیکرانی از علوم طبیعی از خلقت بشر و خلقت غیربشر و تمام مسائل را برای مفضل معنا کرد که به «توحید مفضل» معروف شد.

وی افزود: شاگرد دیگر حضرت، ابن جندب است. ایشان جمله معروفی را به ابن جندب فرمودند: «لَو أنَّ شیعَتَنا استَقاموا لَصافَحَتهُمُ الملائكةُ» یعنی بدان اگر شیعیان ما در راه ما استقامت کنند، ملائکه با آن‌ها مصافحه می‌کنند و در ادامه می‌فرمایند: «و لأظَلَّتهُمُ الغَمامُ، و لأَشرَقُوا نَهارا، و لأَكَلُوا مِن فَوقِهِم و مِن تَحتِ أرجُلِهِم، و لَما سَألُوا اللّهَ شيئا إلاّ أعطاهُم» یعنی ابرها بر سرشان سایه می‌انداختند و در روز می‌درخشیدند و از بالای سر و زیر پای خود، روزی می‌خوردند (برکت از آسمان و زمین بر آنان می‌بارید) و هر چه از خدا می‌خواستند به آن‌ها می‌داد. یار دیگر حضرت جناب مؤمن طاق است که جزو کسانی بود که حضرت(ع) به او نیز عنایت داشتند و مسائل زیادی را برای او بیان کردند.

یزدی با بیان اینکه شاگردان حضرت(ع) در علوم و فنون مختلفی تربیت شده و تخصص می‌یافتند، گفت: حضرت، شاگردان متخصصی را تربیت می‌کردند و این خیلی عجیب است. یعنی وقتی ایشان متوجه می‌شدند شخصی هست که مثلاً در زمینه علوم طبیعی علاقه‌مند است، در همان زمینه مطالبی را به او افاده می‌فرمودند. در یک مطلبی نقل شده: شخصی شامی به محضر حضرت در مدینه آمد و گفت: من سؤالاتی از شما دارم. حضرت گفت: سؤالت چیست؟ او پاسخ داد: سؤالات مختلف دارم و ادامه داد: یک سؤال در خصوص قرآن و قرائت قرآن دارم. حضرت که با اصحابشان بودند به حمران خطاب کردند و گفتند: حمران! مباحث قرآنی را تو جواب بده. آن شخص جواب داد: من می‌خواهم از خود شما سؤال کنم. حضرت فرمودند: اگر حمران را محکوم کردی، گویا مرا محکوم کردی. همین قضیه نشان می‌دهد شاگرد چقدر از حیث علمی باید اصطلاحاً پُر و غنی باشد که حضرت چنین تعبیری برای او به کار ببرند. به هر ترتیب از حمران سؤال کرد و دید حمران به تمام سؤالات به خوبی جواب داد. بعد گفت: چند سؤال ادبی و درباره لغت عرب دارم که حضرت به ابان بن تغلب گفتند: تو به این پرسش پاسخ بده. باز گفت: درباره فقه و مسائل فقهی سؤال دارم، حضرت فرمودند: زراره تو پاسخگو باش. بعد نوبت به سؤالات در خصوص علم کلام رسید که از حضرت اجازه خواست از خود ایشان بپرسد که حضرت به مؤمن طاق خطاب کردند: تو به سؤالات کلامی این مرد جواب بده. وقتی حضرت دیدند تمام شاگردان به همه سؤالات این فرد به خوبی پاسخ دادند، لبخند رضایتی روی صورتشان نقش بست.

■ تلاش دشمنان برای به حاشیه راندن کرسی علم امام صادق(ع)

وی با بیان اینکه تمام فعالیت‌های علمی امام صادق(ع) در شرایطی پیگیری می‌شد که دشمن به صورت مداوم درصدد به حاشیه راندن ایشان بود، اظهار کرد: البته حکومت نیز آرام نمی‌نشست و در تاریخ آمده است منصور دوانیقی، مالک بن انس را فراخواند و او را تحریک کرد مسائل فقهی را در جزوه‌ای تألیف کند. وقتی مالک بن انس این کتاب را نوشت، منصور دوانیقی گفت به اندازه‌ای که برای قرآن خرج می‌شود تا به گوش مردم برسد برای این کتاب خرج خواهد کرد که مردم سراغ این کتاب بروند و سراغی از فقه امام صادق(ع) که شیعیان دنباله‌رو آن هستند، نگیرند.

یزدی در پایان به توصیه‌های امام به شیعیان اشاره کرد و گفت: این خیلی مهم است که رفتار و سکنات ما طوری باشد که مورد رضایت امام صادق(ع) قرار گیرد. حضرت در سفارشی که به شیعیان کردند -که روایتش را سلیمان بن مهران نقل می‌کند- در جمع شیعیان فرمودند: «مَعاشِرَ الشّیعَةِ! کُونُوا لَنا زَیْناً، وَلا تَکُونُوا عَلَینا شَیْناً»؛ ای گروه شیعه! شما، مایه زینت و زیبایی ما باشید و ادامه می‌دهند: «قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً، وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتَکُمْ وَ کُفُّوها عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبیحِ الْقَوْلِ» با مردم به نیکی سخن بگویید و مراقب زبان خود باشید و آن را از گفتار بیهوده و سخن زشت بازدارید.

در کنار این توصیه‌ها بد نیست به آن وصیت معروف حضرت(ع) به امام کاظم(ع) نیز اشاره کنم که فرمودند: «إِنَّهُ لا يَنالُ شَفاعَتَنا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلاةِ» یعنی کسی که نماز را کوچک بشمارد و آن را استخفاف کند، مورد شفاعت ما اهل بیت نیست. این تعبیر خیلی عجیب است و همان تعبیری است که در سوره ماعون نیز وارد شده است. خود امام صادق(ع) در تفسیر آیه ۴ و ۵ سوره ماعون که خداوند متعال فرموده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ» فرموده‌اند: «مراد از بی‌اعتنایی به نماز در این آیه، تأخیر آن از اول وقت بدون عذر است».

گزیده

به دلیل درگیری‌ها بین دشمنان اهل بیت(ع) تعرض حکومت و همچنین فشارهای سیاسی به حضرت کاسته شد و همین، فرصتی را فراهم کرد تا حضرت از این زمان نهایت استفاده را کنند و در بسط و ترویج فقه شیعه تلاش کرد.

دیدگاه

آیت‌الله اراکی پیشنهاد داد

تشکیل کمیته مشترک مهندسان و فقها برای شهرسازی اسلامی

آیت‌الله اراکی عنوان کرد: اسلام تعلیمات و احکام گسترده‌ای درباره سبک زندگی شهری و معماری شهری دارد. کلام اصلی ما این است که اگر شهری که اسلام می‌خواهد، ایجاد کنیم بسیاری از بیماری‌های روحی و جسمی از بین می‌رود.

به گزارش پایگاه خبری - تحلیلی مفتاح علوم انسانی اسلامی، آیت‌الله محسن اراکی عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه توصیه‌هایی را در ملاقات استاندار قم و مسئولان ستاد حوزوی مسکن و شهرسازی اسلامی داشتند که گزیده‌ای از آن را می‌خوانید.

شهر اسلامی یعنی شهری که با موازین فقه اسلامی سازگار باشد. هویت یک جامعه را سبک شهری‌اش می‌سازد یعنی در جامعه‌ای که هویت خاصی دارد این هویت خاص جز نمی‌تواند با سبک معماری شهری و تنظیم زندگی شهری در تضاد باشد و هماهنگ نباشند.

اسلام تعلیمات و احکام گسترده‌ای درباره سبک زندگی شهری و معماری شهری دارد. با دغدغه استنباط دستورات اسلامی در حوزه عمران شهری کتابی به نام فقه عمران شهری نوشتیم که به پیشنهاد شهردار وقت درس‌هایش در حوزه علمیه برگزار شد و ثمره آن درس‌ها تربیت نیروی مناسب و چاپ کتاب فقه عمران شهری است.

کلام اصلی ما این است اگر شهری که اسلام می‌خواهد، ایجاد کنیم بسیاری از بیماری‌های روحی و جسمی از بین می‌رود. بخش عمده‌ای از انحرافات اخلاقی و معنوی که الی ماشاءالله زیاد است می‌تواند محصول سبک شهرسازی و مسکن‌سازی غلط باشد؛ از طرفی می‌توان گفت این همه سرطان و کلسترول و مرگ و میرهایی که نتیجه بیماری‌هاست، محصول همین سبک زندگی غلط شهری است.

حال که دولت، اسلامی است و سعی دارد با موازین اسلامی پیش برود و امروز به‌صورت جدی وارد عرصه خانه‌سازی شده، لازم است طرح شهر و مسکن اسلامی پیگیری جدی شود. درخواست ما این است چند شهر بر وفق معیارهای شهر اسلامی که روی آن کار شده و نیرو تربیت شده به عنوان شهر پایلوت بنا شود تا معیار شهرسازی‌ها در جهان اسلام و بلکه کل دنیا قرار بگیرد.

امروز مهندسان ما توانستند طرح شهر اسلامی که در فضای علمی و فقهی تولید شده را به ماکت و نقشه‌های سه‌بعدی تبدیل کنند و برای اجرایی کردن طرح شهر و مسکن اسلامی کاملاً آماده هستند .این طرح قطعاً در فضای عملیاتی و اجرایی جواب خواهد داد و ان‌شاءالله نقاط دیگر کشور هم از این سبک تقلید خواهند کرد و معتقدیم حتی اروپایی‌ها در اجرای این طرح از ما سبقت می‌گیرند.

پیشنهاد ما تشکیل یک کمیته مشترک بین مهندسان و فقهایی که این طرح را کاملاً درک کردند و نیز اعضای استانداری و شهرداری است تا این مسئله را عملیاتی و اجرایی کنند.

یکی از اساسی‌ترین بنیادهای معماری غربی، جذب سرمایه و کار اقتصادی و سودآوری است. هدف، خدمت به جامعه نبوده است. غربی‌ها دنبال این بودند که برای سرمایه‌دار سود بیشتری ایجاد شود. در مسئله برج‌سازی و مرتفع‌سازی هم سود سرمایه‌دار لحاظ شده است نه نفع عموم مردم؛ آنان به دنبال صرفه‌جویی در زمین بوده‌اند تا با کمترین سرمایه، بیشترین برداشت را داشته باشند؛ ما این‌گونه نگاه نمی‌کنیم بلکه باید نفع عموم مردم در نظر گرفته شود نه نفع نظام سرمایه‌داری که ۲۰ درصد سرمایه‌گذاری کند ولی ۱۰۰درصد سود ببرد.

عکس‌نوشت

کاشی حرمت اگر بودم...

عکس: محمدجواد مشهدی

فاطمه یوسفی | من زائری هستم که چندباری حرمت را با چشم‌هایش دیده و بیش از آن، در رویا، شب‌های دلتنگی خواب گنبد و گلدسته پشت پلک‌هایش نقش بسته است.

این انسان گهگاه زائر تو، گاه دلتنگی آرزو می‌کند کاش قطعه‌ای بود از کاشی‌کاری‌های دیوار حرمت یا آینه تراش‌خورده‌ای روی سقف‌ها و دیوارها و حتی کاش سنگفرشی بود زیر پای زائرانت، اما همیشگی بود و مستقر. سال‌ها می‌ماند توی یک نقطه کوچک از اقیانوس وسیع درگاه تو و لحظه‌ای جدا نمی‌افتاد از صاحبخانه‌ای که تویی.

تو اگر میزبانی، من دوست می‌دارم میهمان همیشگی تو باشم، نخی بافته شده لابه‌لای فرش‌هایت، صفحه‌ای زیارت‌نامه در دست زائرانت یا بیت شعری حکاکی شده روبه‌روی ضریحت.

دیدگاه

ابعاد آشنایی جهان اسلام معاصر با مکتب امام صادق علیه‌السلام

بهمن دهستانی | آغاز شکل‌گیری مذاهب اسلامی در تاریخ اسلام از دوره زندگانی امام جعفر صادق(ع) شناخته می‌شود و مرحله بنیان‌گذاری برخی از مذاهب ماندگار فقهی نیز به همین عصر برمی‌گردد. دوران امام صادق(ع) به دلیل تأسیس برجسته‌ترین مذاهب فقهی از مهم‌ترین مراحل تاریخ اسلامی در قرون نخستین است.

وضعیت کنونی مذاهب اسلامی و پیروان آن‌ها در جوامع اسلامی را تا حدود زیادی می‌توان امتدادی از خطوط اساسی بنیان نهاده شده در عصر تأسیس مذاهب و حیات امام جعفر صادق(ع) دانست.

امام جعفر صادق(ع) از منظر تاریخ‌پژوهان کلیدی‌ترین شخصیت در شکل‌گیری مذهب شیعه امامیه به شمار می‌رود، اما نکته بسیار حائز اهمیت آن است که امام ششم مکتب فکری و عقیدتی و فقهی خود را در شرایطی به‌وجود آورد که در ارتباط و زیست مستمر با دیگر مذاهب رایج آن دوران بود و از این رو در همان زمان به یکی از ممتازترین شخصیت‌های شناخته شده در جهان اسلام تبدیل و ماندگار شد.

فارغ از پشتوانه وحیانی و مقام امامت برای امام جعفر صادق(ع)، حضور فعال ایشان در عرصه‌ها و تماس‌های علمی و فکری عصر خویش و اهتمام به تربیت شاگردان که البته آن هم مستند به رسالت الهی آن حضرت بود، آثار و احادیث امام جعفر صادق(ع) بخش قابل توجهی از میراث بزرگ اسلامی برای مسلمانان را به‌وجود آورده است و تا به امروز محافل گوناگون جهان اسلام به این منزلت اذعان می‌کنند. شاید نتوان هیچ فقیه و دانشور علوم اسلامی را یافت که به جایگاه امام صادق(ع) آشنا و معترف نباشد.

گرچه در ادوار مختلف تاریخی بنا بر محدودیت‌ها و فشارها بر ائمه اهل بیت(ع) و پیروان ایشان و همچنین عنادها و سیاست‌های ظالمانه خلفا، بسیاری از علوم امام صادق(ع) کتمان و به حاشیه رانده شد. به عنوان مثال در کتاب‌های فقه مقارن یا تطبیقی که افزون بر آرای ائمه اربعه اهل سنت، اقوال بسیاری از فقهای متقدم و پراکنده در آن دوران چون اوزاعی و سفیان ثوری و لیث بن سعد و امثال آنان از معاصران امام جعفر صادق(ع) به طور گسترده نقل شده اما برخلاف انتظار، یادی از اقوال و دیدگاه‌های امام صادق(ع) به مثابه یکی از فقهای برجسته آن عصر به میان نیامده است و همین نکته از سوی برخی از عالمان برجسته شیعه چون سید مرتضی به عنوان نقدی بر اهل سنت مطرح شده است.

سید مرتضی در کتاب معروف خود به‌نام الإنتصار صفحه ۷۷ یادآور می‌شود: چگونه شما اگر آرای امام صادق(ع) را در کنار ابوحنیفه و شافعی نمی‌نهید، حتی در سطح آرای احمد بن حنبل و داوود ظاهری و ابن جریر طبری هم از آن یادی ندارید؟

به گفته محقق و حدیث‌پژوه برجسته معاصر آقای دکتر احمد پاکتچی، منابع پرشمار و متنوع اهل سنت در فقه مقارن و تطبیقی مانند اختلاف الفقهاء طبری، اختلاف الفقهاء طحاوی، الاشراف ابن منذر و... از احادیث و اقوال حضرت صادق(ع) خالی هستند و تنها در برخی منابع فرعی می‌توان توجه نادری به فتاوای امام صادق(ع) بازجست. اما با وجود این سابقه و سیر تاریخی و نحوه مواجهه تمدن اسلامی با میراث امام صادق(ع)، تحولات و بحران‌های چند دهه اخیر دنیای اسلام پژوهشگران را وادار به بازخوانی میراث فقهی و کلامی خود نموده و نوعی رویکرد انتقادی در نیم قرن اخیر در محافل علمی جهان اسلام رشد کرده و در این میان مکتب امام صادق(ع) که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و عقلانی ممتاز و قابل ترجمان برای نیازهای روز جهان اسلام است دوباره درخشش یافته است.

گسترش جریان‌های تکفیری و سلفی و وهابی در جوامع اسلامی که حتی مذاهب اهل سنت را نیز تکفیر و مایه انحراف مسلمانان قلمداد می‌کردند متفکران و صاحبنظران اسلامی را به دفاع و عرضه قرائتی نو از میراث اسلامی برای حل مشکلات و کاهش بحران‌های جهان اسلام سوق داد. در این میان آموزه‌های امام صادق(ع) که سرشار از عناصر زندگی‌ساز و عقلانی و متناسب با مقتضیات زمان است بازتاب قابل تأملی یافته است.

شیخ علی جمعه، مفتی بزرگ سابق مصر که از شخصیت‌های فقهی مطرح میان کشورهای اسلامی است، سال ۲۰۲۰ در برنامه‌ای تلویزیونی امام صادق(ع) را از بزرگان مؤسس مذاهب اسلامی برشمرد که هم‌عصر ابوحنیفه و خود دارای مذهب فقهی مستقل در کنار سایر ائمه مذاهب بوده و مکتب فقهی‌اش تا به امروز پا برجاست.

همچنین شبکه بین‌المللی الجزیره در پژوهشی که آن را در بخش میراث اسلامی پایگاه رسمی خود منتشر نمود با تأکید بر علم فراوان و فراگیر و عمیق امام صادق(ع)، وجه بارز دیگر شخصیت آن حضرت را معارضه با حاکمیت جور عنوان نمود. بررسی مطالب انتشار یافته در محافل و رسانه‌های جهان اسلام درباره مقام امام صادق(ع) نشان می‌دهد با وجود کافی نبودن بررسی‌ها در مراکز علمی و دینی درباره ابعاد شخصیتی آن حضرت اما مباحث منتشر شده با احترام و تحسین همراه بوده است.

متأسفانه در حالی که کتابخانه‌های جهان اسلام دارای پژوهش‌ها و کتاب‌های فراوان درباره دیگر فقها و ائمه مذاهب است؛ آثار مرتبط با وجود مبارک امام صادق(ع) بسیار اندک است. گرچه مکتب علمی امام صادق(ع) با ابعاد متنوع آن با تلاش پیروان اهل بیت(ع) انعکاس و توسعه می‌یابد و حتی انقلاب اسلامی و شخصیت امام خمینی(ره) خود برآمده از شاگردی و مکتب حضرت صادق(ع) است اما واقعیت آن است آشنایی با شخصیت حضرت جعفر بن محمد الصادق(ع) در حد انتظار نیست. این در حالی است که توجه به افکار ابن تیمیه در برخی کشورهای اسلامی حتی از ائمه اربعه مذاهب رسمی اهل سنت بیشتر شده است.

به نظر می‌رسد تعریف و طراحی و برگزاری برنامه‌های علمی و پژوهشی مشترک با سایر مذاهب اسلامی و استمرار گفت‌وگو با دانشمندان آن‌ها با محوریت شناخت و تطبیق و مقارنه مکاتب فقهی ائمه مذاهب و واکاوی فقه و کلام آنان راه مؤثری برای معرفی مقام امام صادق(ع) در تمدن اسلامی است.

شیخ عصام تلمیه از صاحبنظران و نویسندگان الأزهر در مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۹ بازتاب فراوانی یافت تأکید نمود: استفاده از مذهب فقهی جعفریه یک روش و متد علمی متین و لازم به پیگیری است تا بتوان از طریق آن به تقویت و توانمندسازی دستگاه فقه اسلامی برای حل و فصل مسائل و ابتلائات مسلمانان پرداخت.

تفقه‌في الدين، فان الفقهاء ورثة الانبياء

در دین، فقیه شو زیرا که فقیهان وارثان پیامبرانند.

برش گفت‌وگو

جنگ‌نرم

منصور دوانیقی، مالک بن انس را فراخواند و او را تحریک کرد مسائل فقهی را در جزوه‌ای تألیف کند. وقتی مالک بن انس این کتاب را نوشت، منصور دوانیقی گفت به اندازه‌ای که برای قرآن خرج می‌شود تا به گوش مردم برسد برای این کتاب خرج خواهد کرد که مردم سراغ این کتاب بروند و سراغی از فقه امام صادق(ع) که شیعیان دنباله‌رو آن هستند، نگیرند.